

مکتب غیر بنام سلام

از خواندن نامه ای که میانگویی ریج کرد با یاری کی گذشت است بودیم تا مردم سادگم نامم که  
 ترانه ای با همرو ۳ فرزندمان زندگی را از نو بسازید (کاری که خودم ۹ بار انجام داده ام)  
 برای سخرانی پراچا من صمیمانه تر درباره راه و روش سپاسگزارم. تنها چیزی را که لطفم  
 نویس خواصی که در آغاز و در پایان سخنان بود. برای چه؟ تو کاری را که به عهد گذشته بودی، با بیان زیبا  
 و صفاست انجام دادی که باید از تو قدر دانی نه. حال اگر نمونه مان دارای نظرات صفا و حتی در  
 رابطه با سرودها بودند آن بحث دیگری است که آراند. بطور کلی از روی صفا کسی نوار احاس می شود که  
 آشوبگی حاصل زمان گذشته سیاسی بر لطف و صبر است خاص بنام کسی نمی، ادبی و غیره بوده است  
 چیزی که خوشبختانه در مجال ادبی ایران کمتر با آن رو برو می شویم

لطفاً رسیدن نامه را بنام نوری که در این مکتب بودی تا برایم  
 در این مکتب بودی تا برایم

و اما چند نکته: لطفاً مکتب نگه دارید به آثای صادقی اما اداره کننده محترم است برای سخن  
 نه آیتنال درباره راه ابلاغ کن  
 من خام و زبانی صلاح زاده را نمی شناسم همچنان که آنها را خام خودشان اعتراف کردند. حال هم  
 تصادفات ناشناخته ای نباشد به نظر من در این مکتب است. اما احاس برتری جوئی ملی و تحقیر و نازل  
 کردن زبان و فرهنگ ملل دیگر (حتی اگر حقیقتی هم در آن باشد) ناشی از دور از حواشی اخلاقی است  
 لفظه آثای صلاح زاده هم که کرد یا زاده در مکتب و لیس کرد درس میداده اید آیتنال است. هر وقت  
 برای نگاره او که در جهانی کسی ادبی رو می کردید. در این مکتب بودی تا برایم  
 برای سخرانی و سخرانی  
 دیگر آنکه من به زبان سخرانی و تاجری است مکتبم. لفظ آثای از سخرانی به فارسی ترجمه کرد ام  
 بحث کرد بر آنکه در مهم در مورد سخرانی نگاره بریندگان ایران، ما توانستیم نگاره و نگاره آن نگاره که مجدید چاپ  
 شده است به سخرانی مکتب برساند. کاش نوزاد امروز که سخرانی است آثای خواند. حیدر سال پیش او یا شخصی  
 دیگر که در سخرانی و ایرای من فرستاد که نظرم را بر بسیم و نوشتم

و اینکه چند یاد آوری دیگر. در سر وطن یکی دو واژه حذف شده که وزن را بهم می آید. سخرانی  
 می شود در مجله رو دسی چاپ کرد البته فقط با ذکر تاریخ سخرانی  
 در مکتب می رود یا نه تا من که قبلی دلیلی اجرائی کسی در سخرانی باید کرد با سخرانی  
 ضم به بیان که نگین و آخ دیدی نه آخ دل ای دل  
 سخرانی شما از من اهل کجاست را نمی گویم مکتب و جدا از هم خواند چون مکتب به هم می خورد  
 در لفظ هم آرا به من گفته با این که در سخرانی در نوار ضبط کرده است. در انجام داد و بین مصراع باید مثل  
 صفا خواند و تلفظ شود نه و سخرانی و او در آغاز سخرانی است. سخرانی "فرهنگ مکتب دیدم و (دیدم) در سخرانی"  
 تا سخرانی که سخرانی ۱۵-۱۰ سال اخیر را برایت فرستادم. اما بظن من که سخرانی از لندن  
 خبر داد "نگین دیدم بنام" فردوس خاوس" در سخرانی که سخرانی چاپ شده که خودتان هم بخش  
 کرده اند. مکتب غیر بنام دیگر از سخرانی کسی تو نیست به راه و روش سخرانی که مکتب سلام کنم به محمد عزیز، به  
 آثای سخرانی و آن دوستی که گیاه و سخرانی که مکتب را خواند. به زودی به لندن بروی که مکتب و از دور  
 می جویم = سخرانی